

حسابداری اسلامی، چیستی و چگونگی آن

مهديه مودی^۱

۱. دانشگاه فنی و حرفه ای، تهران، moodi_mahdieh@yahoo.com

چکیده

رهنمودهای اخلاقی دین اسلام حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. اسلام به عنوان یک روش زندگی توجه زیادی به فعالیت های تجاری دارد. خداوند در قرآن راهنمایی های لازم را برای رستگاری انسان در دنیا و آخرت ارائه کرده است. در فعالیت های اقتصادی باید فلاح و رستگاری به عنوان هدف نهایی انتخاب شود و حسابداری هم به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی باید با این هدف سازگار باشد. بنابراین اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی نه تنها باید موجب ارائه تصویر درست درباره واحد تجاری شود بلکه باید به گونه ای باشد که واحدهای تجاری را به سوی احسان و پرهیز از بی عدالتی تشویق کند. برای حسابداری اسلامی اهداف متفاوتی مانند سودمندی برای تصمیم گیری، پاسخگویی اسلامی و پاسخگویی از طریق زکات مطرح شده است. در زمینه صورتهای مالی نیز ترازنامه مبتنی بر ارزش های جاری یکی از الزامات اصلی برای شرکت هایی است که در جامعه اسلامی فعالیت می کنند. جایگاه سود و زیان باید به یادداشت های توضیحی تنزل یابد زیرا صورت سود و زیان موجب تقویت گرایش مردم به سود مفرط می شود و در نتیجه در جامعه اسلامی اثر منفی دارد. به جای صورت سود و زیان، باید صورت ارزش افزوده ارائه شود، زیرا خصوصیات توزیعی صورت ارزش افزوده، پاسخ گویی در اسلام را پشتیبانی می کند.

واژه های کلیدی: اسلام، ارزش جاری، پاسخگویی، زکات، عدالت

۱. مقدمه و مبانی نظری پژوهش

۱.۱. اسلام

اسلام اساساً مجموعه‌ای از رهنمودهای اخلاقی است. رهنمودهای اخلاقی دین اسلام حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. بعضی از رهبران دینی عقیده دارند، فعالیت‌های اقتصادی در اسلام بر دو ستون اخلاقی عدالت و احسان استوار است. این ارزش‌ها، ارزش‌هایی بنیادی است که برای تمام زوایای زندگی انسان، رهنمود دارد. بنابراین تجارت اسلامی باید بر پایه این ارزش‌ها انجام شود. [1]

قرآن، حفظ عدالت را تحت هر شرایطی و در تمام جوانب زندگی انسان لازم می‌داند. پیامبر گرامی (ص) نیز بر حفظ عدالت اصرار داشتند و با بی‌عدالتی به شدت برخورد می‌کردند. قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که برای شهادت دادن و تصمیم‌گیری در موضوعات مناقشه‌انگیز بین مسلمانان و حتی در رابطه با دشمنان، از مسیر عدالت خارج نشوند. بنابراین مسلمانان باید برای برقراری عدالت تلاش جمعی کنند. به عبارت دیگر مسلمانان نباید به دیگران ستم کنند یا زیر بار ستم دیگران روند. (همان)

احسان به معنای رفتار حسنه یا کمک به دیگران بدون چشم داشت یا ایجاد تعهد برای آنان است. بعضی از دین‌داران احسان را حتی برتر از عدالت می‌دانند. احسان زندگی را زیبا می‌کند. اگر عدالت جامعه را از استثمار و رنج‌ها محافظت می‌کند، احسان زندگی را شیرین و گوارا می‌سازد. (همان)

در حوزه تجارت، روش‌هایی مانند مدارا، انگیزه خدمتگزاری، توجه به خداوند و رضامندی او موجب تقویت احسان می‌شود. مدارا از پایه‌های احسان است. مدارا از صفات خداوندی است و مسلمانان تشویق شده‌اند که این صفت را در درون خود زنده نگاه دارند. مدارا را می‌توان در قالب احترام به دیگران، گذشت و بر طرف کردن مشکلات دیگران بیان کرد. منظور از انگیزه خدمتگزاری این است که سازمان‌های تجاری باید نیازها و منافع دیگران را در نظر بگیرند. بنابراین، مسلمان در فعالیت‌های تجاری باید در پی ارائه خدماتی باشد که مورد نیاز واقعی جامعه او و جامعه انسانی است. (همان)

اگر چه قرآن تجارت را مشروع می‌داند اما نباید مشغله تجارت، انسان را از خداوند و دستوره‌های او غافل کند. مسلمان باید در هر حالت، چه موفقیت، چه شکست به یاد خدا باشد. رضایت او باید مسیر زندگی انسان را تعیین کند. فعالیت تجاری باید منطبق با ارزش‌های اخلاقی قرآن باشد. قرآن انسان را از نعمات این جهان منع نکرده است، اما نباید لذات دنیوی چشم او را کور کند. (همان)

۲.۱. حسابداری اسلامی و تفاوت آن با حسابداری غربی

در محافل دانشگاهی و مراجع حرفه‌ای کشورهای مسلمان مدتی است که بحث حسابداری اسلامی مطرح و در این زمینه سمینارهایی نیز برگزار شده است. گروهی از حسابداران مسلمان معتقدند بنا به ملاحظات جهان بینی اسلامی و غربی، حسابداری سنتی که مبتنی بر جهان بینی غربی است نمی‌تواند پاسخگوی تأمین نیازهای گزارشگری مالی در کشورهای اسلامی باشد. لذا حسابداران مسلمان باید در کشورهای اسلامی تعریفی از حسابداری اسلامی ارائه کنند و با تبیین اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی، الزامات گزارشگری را روشن کنند. [3]

شاید آنچه که به عنوان تفاوت بنیادی محیطی قابل طرح است حضور دین در زندگی فردی و تجزیه آن از مسائل اجتماعی است. در کشورهای اسلامی نقش تعالیم اسلامی در زندگی جمعی پررنگ می‌باشد و در قوانین و مقررات حکومت‌داری، قرآن و سنت در نظر گرفته می‌شود. بعضی از صاحب‌نظران مبانی اقتصاد اسلامی را با اقتصاد غربی کاملاً متفاوت می‌دانند. در اسلام انسان امانت‌دار است. در صورتی که در غرب انسان مالک نهایی شناخته می‌شود. لذا پاسخگویی نهایی مسلمان از نظر مسائل مالی در برابر خداوند است و چنین پاسخگویی از طریق زکات و خمس در عمل پیاده می‌شود. (همان)

در غرب حداکثرسازی سود، فردگرایی، منافع شخصی زیربنای حرکت‌های اقتصادی است اما یک مسلمان پایبند به ارزش‌های اسلامی در پی سود معقول، منافع جمعی و انصاف و عدالت است. در اسلام بعضی از معاملات رایج در غرب مانند ربا، قمار، تجارت

مشروبات الکلی عملی حرام است و ممنوع است. بعضی از رهبران دینی معتقدند، فعالیت های اقتصادی در اسلام بر دو ستون اخلاقی عدالت و احسان استوار است. بنابراین تجارت اسلامی باید بر پایه این ارزشها انجام شود. (همان)
محققان بر این عقیده اند که زیربنای اقتصاد اسلامی با زیربنای اقتصاد غربی کاملاً متفاوت است. در این باره چندین استدلال ارائه شده است.

• **اولاً** اقتصاد غربی بر پایه اصول حاکمیت فردی و حقوق مالکیت خصوصی استوار است؛ در حالی که اقتصاد اسلامی بر مبنای اصول مالکیت چندگانه است. در جامعه سرمایه داری، مالکیت عمومی تنها وقتی به رسمیت شناخته می شود که ضرورت اجتماعی وجود داشته باشد؛ در حالی که قانون اسلام مالکیت فردی و مالکیت عمومی را به دنبال این اصل که همه چیز متعلق به خداوند است و اموال در دست انسان امانتی است که باید در قبال آن پاسخگو باشد، به رسمیت می شناسد. [2]

اقتصاد اسلامی مبتنی بر شریعت است، هدف اساسی شریعت این است که به بشریت نوید زندگی بهتر و عدالت اجتماعی اقتصادی بدهد. این دین می آموزد که ثروت به خداوند تعلق دارد و انسان صرفاً امانت دار این ثروت است تا با استفاده از این امانت، اهداف مذکور را تحقق بخشد. (همان)

سیستم اقتصادی اسلامی، مبتنی بر این آموزه است که هیچ فردی نباید آنچه را اساساً خلقت خداوند است یا محصول تلاش و مهارت های انسان دیگری است برای خودش بخواهد. بنابراین، این سیستم تا حد زیادی بر پایه عدالت اجتماعی شکل گرفته است. این تفاوتی اساسی بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی است. (همان)

• **ثانیاً** استدلال شده است که حسابداری مرسوم بر پایه جهان بینی فلسفی و عقلانیت اقتصادی است که شامل مبانی فردگرایی، نفع شخصی و حداکثرسازی سود است؛ در حالی که جهان بینی فلسفی اسلامی بر مبنای یگانی خداوند و در بر گیرنده اصول منافع اجتماعی، انصاف (برابری) و سود منطقی است. به طور کلی در اقتصادهای ماده گرای غربی، انسان حق نامحدود و مطلق بر ثروت دارد و به او اجازه داده می شود هرگونه که می خواهد از آن استفاده کند. (همان)

هدف اصلی فرد این است که این ثروت را حداکثر سازد و هدف مؤسسه انتفاعی غربی حداکثر کردن سود و حداقل کردن زیان است. در حالی که در اقتصاد اسلامی، افراد حق مطلق بر ثروت خود ندارند. اگرچه مالکیت بر ثروت به آن ها اهدا شده است، اما این مالکیت فقط به عنوان امانت است و آن ها باید فقط مطابق دستورات داده شده از طرف خداوند آن ثروت را مورد استفاده قرار دهند. (همان)

آن ها نباید به طور مسرفانه و تبذیرگونه ثروت خودشان را مصرف کنند و باید آن را برای آدای دین خودشان به دیگران بدهند. برای دیگران نیز حقی در ثروت فرد است. قرآن کریم می فرماید: در ثروت هایشان یک حق مسلم برای کسانی که در جستجوی آن هستند و نیاز به آن دارند وجود دارد. بنابراین حداکثرکردن ثروت، هدف اصلی اقتصاد در اسلام نیست. (همان)

اقتصاددانان غربی عموماً نمی توانند هر معیاری را که ورای دنیای مادی توسعه یابد درک کنند، در حالی که مسلمانان عموماً نمی توانند هر معیاری که غیر از آن باشد را درک کنند. یکی از هدف های اساسی اقتصاد اسلامی این است که ثروت به جای اینکه در دستان عده محدودی متمرکز شود، در جامعه تا آن سطح گردش کند که تفاوت بین غنی و فقیر تا حد ممکن کم و اندک شود. (همان)

حسابداری مرسوم مبتنی بر اصول و اهداف زیر است:

۱- تفکیک کامل اقتصاد از مذهب؛

۲- ارجحیت رضایت فردی؛

۳- بهینه سازی سود به عنوان معیار سنجش عملکرد؛

۴- پذیرش قاعده تنازع بقا به عنوان بهترین راهبرد؛

۵- تأکید بر نتیجه فرایند بدون توجه به آثار گسترده آن بر محیط (همان)

این در حالی است که برای حسابداری اسلامی اهداف متفاوتی ذکر شده است، همانند:

۱- سودمندی برای تصمیم گیری به نحوی که جریان به سوی منافع جمعی پیش رود؛

۲- وظیفه پاسخگویی اسلامی (حساب خواهی و حساب دهی)؛

۳- پاسخگویی از طریق زکات (همان)

۳.۱. هدف حسابداری اسلامی

برای حسابداری اسلامی اهداف متفاوتی مانند سودمندی برای تصمیم گیری، وظیفه پاسخگویی اسلامی و پاسخگویی از طریق زکات ذکر شده است. این هدف توسط سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی (AAOIFI) پیشنهاد شده است. در بیانیه شماره یک این سازمان بیان شده است که اهداف حسابداری مالی نوع و ماهیت اطلاعاتی را تعیین می کند که باید در گزارش های مالی برای کمک به استفاده کنندگان این گزارش ها در تصمیم گیری ارائه شود. [1]

بنابراین گزارش های مالی باید اطلاعات سودمند برای استفاده کنندگان ارائه کند. این اطلاعات شامل موارد زیر است:

۱- اطلاعات مربوط به رعایت شریعت توسط بانک ها،

۲- اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و آثار رویدادها،

۳- اطلاعات لازم برای تعیین زکات،

۴- اطلاعات مربوط به جریان های نقدی،

۵- اطلاعات لازم برای ارزیابی مسئولیت های امانی بانک ها برای حفاظت منابع و سرمایه گذاری های آن، و

۶- اطلاعات مربوط به ایفای مسئولیت اجتماعی توسط بانک. (همان)

اگرچه در فهرست سایر اهداف، جوهره اسلامی مشاهده می شود اما چارچوب نظری سازمان یاد شده بیشتر هم جهت با حسابداری سنتی است. مثلاً در چارچوب نظری هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) بیان شده است که گزارش مالی باید اطلاعات سودمند به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان کنونی و بالقوه و سایر استفاده کنندگان برای تصمیم گیری های سرمایه گذاری، اعطای اعتبار و دیگر تصمیم های مشابه ارائه کند. (همان)

سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی در بند ۲۵ بیانیه شماره یک خود این همگرایی را نشان داده است. طبق این بند نقش گزارش گری مالی در اقتصاد، ارائه اطلاعات سودمند برای تصمیم گیری های اقتصادی است. (همان)

به نظر می رسد هم سازمان یاد شده و هم هیئت استانداردهای حسابداری مالی این دیدگاه سنتی را پذیرفته اند که اطلاعات مربوط برای استفاده کنندگان، اطلاعات راجع به وضعیت مالی و عملکرد مالی است. در واقع عملکرد مالی مربوط به چگونگی موفقیت یک شرکت در دست یابی به هدف کلی آن یعنی سود است بنابراین عملکرد مالی مستقیماً به سودآوری متصل شده است. هر چه سود بیشتر باشد، شرکت موفق تر عمل کرده است. (همان)

سودمندی برای تصمیم گیری را می توان آن قدر بسط داد تا نیازهای اشخاصی را در برگیرد که در پی اعمال نظارت بر عملکرد اجتماعی شرکت می باشند. اما بیشتر مطالب ادبیات حسابداری درباره سودمندی برای تصمیم گیری تنها به نیازهای سهامداران و اعتبار دهندگان مربوط است. (همان)

به طور طبیعی سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان مایلند که دریافت های نقدی شان از پرداخت های نقدی بیشتر باشد؛ بنابراین شرکت ها به سمت افزایش توان کسب وجه نقد هدایت می شوند در این حالت، سودمندی برای تصمیم گیری هدف مناسبی برای پشتیبانی سازمان جهت دستیابی به چنین هدفی است. (همان)

۴.۱. مباشرت در حسابداری اسلامی

حسابداری مباشرت ریشه در دوران باستان دارد و برای اثبات اعتبار مستاجر در برابر مالکان مهم بود. مفهوم مباشرت از آیین مذهبی به ویژه مسیحیت سرچشمه گرفته است. یعنی انسان در برابر خداوند امانت دار منابعی است که به او سپرده شده است. انسان به عنوان کارگزار یا نماینده خدا، مسئول به کارگیری منابع نه تنها برای خود بلکه برای دیگران به عنوان یک مسئولیت اجتماعی است. این مفهوم در دوران فتوودالی مباشرت گسترش یافت. در آن زمان، زمین به سرف ها سپرده می شد و سرف از طرف فتوودال آن را اداره می کرد. سرف مسئول حفاظت از زمین برای فتوودال بود و فتوودال باید به مسئولیت اجتماعی خود برای سرف و خانواده او عمل می کرد. [1]

از اواسط قرن نوزدهم مفهوم مباشرت در حسابداری برای تفکیک مالکیت و مدیریت به کار می رفت که این نیز ناشی از رشد شرکت های سهامی بود. در این زمان شکل کلاسیک مباشرت در مورد مدیرانی مصداق داشت که به عنوان خادم صاحب سرمایه تنها در برابر او این وظیفه را انجام می دادند و به مسئولیت اجتماعی توجهی نمی کردند، صورت های مالی ابزاری برای اثبات به کارگیری درست منابع توسط مدیریت است. تاکید مباشرت بر به کارگیری سرمایه ها در دارایی های مولد برای دستیابی به اهداف سازمان است. (همان)

لذا ترازنامه و صورت سود و زیان تهیه می شود تا صاحبان سرمایه بتوانند تغییرات مالی طی یک دوره زمانی خاص را دنبال کنند. مفهوم فعلی مباشرت بسیار نزدیک به مفهوم سودمندی برای تصمیم گیری است، اما اطلاعات لازم برای مباشرت کمتر از اطلاعات لازم برای تصمیم گیری است. زیرا براساس مفهوم مباشرت، سرمایه گذاران و اعتباردهندگان بالقوه به عنوان استفاده کننده تلقی نمی شوند. علاوه بر این، اطلاعات لازم برای مدل پیش بینی استفاده کنندگان ارائه می گردد و اساساً به گذشته نگاه می شود. (همان)

سازمان AAOIFI (۱۹۹۶) مباشرت را به عنوان یکی از اهداف ارائه اطلاعات پذیرفته است. این سازمان تصریح کرده است که یکی از اهداف حسابداری مالی کمک به محافظت دارایی ها و بهبود توانایی های مدیریتی بانک های اسلامی است. وظیفه مباشرت باید کانون توجه حسابداران موسسات مالی اسلامی برای گزارشگری به اشخاص برون سازمانی باشد. (همان)

۵.۱. پاسخگویی در حسابداری اسلامی

گفته می شود که پاسخگویی مفهومی گسترده تر از مباشرت دارد. پاسخگویی را می توان وظیفه ارائه حساب یا بازخواست در رابطه با اقداماتی تعریف کرد که یک شخص مسئولیت آن را به عهده دارد. در این تعریف، پاسخگویی در قالب رابطه کارفرما و کارگزار بیان شده است. پاسخ خواه (کارفرما) با پاسخگو (کارگزار) وارد یک رابطه قراردادی می شود. [1]

کارفرما قدرت اداره منابع را همراه با دستور العمل شیوه انجام عمل و اعطای پاداش، به کارگزار اعطا می کند. کارگزار باید برای رسیدن به اهداف خاص و همچنین ارائه اطلاعات به کارفرمای خود، اقدامات لازم را انجام دهد. دامنه پاسخگویی را می توان فراتر از ارائه حساب مربوط به اقدامات انجام شده به کارفرما دانست. جنبه متافیزیکی پاسخگویی به خدا را نیز می توان به این دامنه اضافه کرد. (همان)

برای ایفای پاسخگویی اسلامی هم سازمان های اسلامی (کارگزار) و هم صاحبان سرمایه (کارفرما) مسئولیت دارند. پاسخگویی اولیه از مفهوم خلافت نشأت می گیرد، زیرا انسان امانت دار منابع الهی است. چگونگی اعمال این خلافت در قرآن و حدیث به عنوان منابع اصلی آیین اسلامی مشخص شده است. (همان)

همچنین، پاسخگویی ثانویه از طریق قرارداد بین صاحب سرمایه یا سرمایه گذار و مدیر برقرار می شود. یک شرکت برای ایفای پاسخگویی اولیه و ثانویه، باید فعالیت های اقتصادی- اجتماعی مربوط به موضوعات اسلامی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی را شناسایی، اندازه گیری و گزارش کند. افزون بر این، بر اساس پاسخگویی اسلامی، می توان اهداف ثانویه دیگری مانند رعایت شریعت، ارزیابی و توزیع زکات، توزیع عادلانه ثروت بین ذی نفعان، و ایجاد محیط همکاری و مساعدت را نیز تعریف کرد که به ارائه اطلاعات کمک می کند و شرکت ها را تشویق می نماید در حل مشکلات امت اسلامی مشارکت کنند. (همان)

۶.۱. پاسخگویی از طریق زکات

هدف اصلی اطلاعات حسابداری اسلامی، ارائه اطلاعات برای ایفای تعهد پاسخگویی به صاحب اصلی (خدا) است. بنابراین، پاسخگویی کلی زمانی در عمل محقق می‌شود که در راستای ایفای تعهد زکات باشد. اگر زکات به عنوان هدف اولیه قرار گیرد هر شخص از فریب کاری یا ظاهرآرایی ناخواسته پرهیز می‌کند، زیرا همیشه خدا را ناظر اعمال خود می‌بیند. در نتیجه، اطلاعات حسابداری به طور غیرمستقیم هم پاسخگوی نیازهای استفاده کنندگان است و هم پاسخگوی مسئولیت اجتماعی. [1]

سازمان های اسلامی باید زکات مدار باشند نه سود مدار. یعنی سود خالص نباید به عنوان مبنای ارزیابی عملکرد استفاده شود بلکه هدف باید متوجه پرداخت زکات بیشتر باشد. برای اینکه جهت سازمان در راستای زکات باشد سیستم حسابداری نیز باید مبتنی بر زکات باشد. (همان)

این نگرش منجر به تقویت اسلام در سازمان ها می‌شود. برای رسیدن به این هدف، ابتدا باید از حداکثرسازی سود به سمت حداکثرسازی زکات حرکت کرد. بنابراین، سود به عنوان یک هدف میانی است در صورتی که زکات هدف نهایی است. اگر زکات هدفی نهایی باشد سیاست های یک سازمان باید منطبق با شریعت اسلامی باشد. (همان)

نهایتاً این شیوه عمل باعث تعادل بین مسائل فردی و اجتماعی می‌شود، زیرا مفهوم زکات مسلمانان را تشویق می‌کند که با رعایت شریعت سود کسب کنند و بخشی از آن را به عنوان زکات برای رفاه اجتماعی بپردازند. این نگرش، واحد های اقتصادی را تشویق می‌کند برای رهایی انسان ها از فشارهای ناشی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فکری و پاک سازی محیط از استثمار تلاش کنند. سرانجام چنین روشی، پل میان دنیا و آخرت است زیرا زکات باعث بیداری وجدان انسان می‌شود و او را به یاد توشه آخرت می‌اندازد. (همان)

به نظر می‌رسد قرارداد زکات به عنوان هدف نهایی، دیدگاه اسلامی درباره موضوعات اقتصادی را محدود می‌کند؛ اگرچه شکی نیست که زکات یکی از ستون های اصلی اسلام است. ساده انگاری است اگر بگوییم زکات مشکلات اقتصادی موجود را تماماً حل می‌کند. در حقیقت، اهداف اقتصادی- اجتماعی اسلام شامل دامنه وسیعی از موضوعات مختلف است. اعتقاد بر این است که زکات تنها یکی از ابزارهای اصلی برای دست یابی به این اهداف است. (همان)

۷.۱. اندازه گیری مالی در حسابداری اسلامی

مباحث مربوط به خصوصیات حسابداری اسلامی بر دو موضوع اندازه گیری مالی و ارائه و افشا متمرکز شده است. بنابراین در بخش های زیر، خصوصیات حسابداری اسلامی در قالب این دو موضوع مطرح می‌شود. [1]

در اغلب مطالب ادبیات حسابداری اسلامی، زکات به عنوان سنگ بنای تعیین ابزارهای اندازه گیری معرفی شده است. دلایل انتخاب زکات برای تعیین مبانی اندازه گیری به شرح زیر است:

۱- در اسلام زکات مفهومی است که مستقیماً با اندازه گیری دارایی ها سروکار دارد. در قرآن و حدیث رهنمودهایی در مورد زمان و روش محاسبه زکات وجود دارد.

۲- در بسیاری از آیات قرآنی بلافاصله پس از دستور نماز، زکات بر مسلمانان واجب شده است و زکات یکی از ستون های اصلی اسلام است. بنابراین مسلمانان برای ایفای این تعهد باید ابزارهای لازم (شامل حسابداری) را به کار گیرند.

۳- توسعه حسابداری در دولت های اولیه اسلامی ارتباط مستقیم با زکات دارد. در آن زمان، دولت اسلامی دفاتر و گزارش های حسابداری را برای تعیین زکات و پاسخگویی در مورد آن، تهیه می‌کرد. (همان)

دیدگاه غالب در تعیین زکات، استفاده از قیمت فروش در زمان ایجاد تعهد بابت زکات است، لذا سازمان های تجاری اسلامی باید از بهای جاری، نه بهای تمام شده تاریخی، استفاده کنند. در بیانیه مفاهیم حسابداری به مفهوم ارزش های جاری دارایی ها، بدهی ها و سرمایه گذاری های محدود شده اشاره کرده است، اما به دلیل فقدان ابزارهای کافی، به کارگیری آن توصیه نشده است. در عمل از بهای تمام شده تاریخی استفاده می‌شود و ارزش های جاری تنها به صورت اطلاعات مکمل ممکن است ارائه شود. بنابراین بانک های اسلامی از بهای تمام شده تاریخی استفاده می‌کنند. (همان)

در حسابداری اسلامی، هم می‌توان از بهای تمام شده تاریخی و هم ارزش های جاری استفاده کرد. بنابراین، سیستم حسابداری اسلامی سیستم دو گانه ای برای ارزشیابی دارایی دارد. این نظریه مبتنی بر این فرض است که واحد اقتصادی اسلامی هم باید پایبند به

قرارداد باشد و هم تعهد خود در مورد زکات را در نظر بگیرد. زیرا قرارداد مبتنی بر معاملات گذشته و زکات مبتنی بر ارزش های جاری است. بنابراین باید مبانی اندازه گیری برای هر یک از این اهداف وجود داشته باشد. (همان)

روش بهای تمام شده تاریخی، مسئولیت امانی مدیران و وظیفه مباشرت آنها را بهتر منعکس می کند. این روش مناسب ترین روش اندازه گیری است چون قراردادها براساس ارقام بهای تمام شده تاریخی نوشته می شود و قرن ها این شیوه عمل دوام یافته است. اگر روش ارزیابی کارآمدتری وجود داشت بی شک جایگزین بهای تمام شده تاریخی می شد. (همان)

به نظر می رسد بهای تمام شده تاریخی برخلاف روش ارزش جاری هیچ پایه قابل دفاعی در شریعت ندارد. اصل ایفای تعهدات مربوط به قرارداد در اسلام نمی تواند به عنوان پایه ای برای به کارگیری بهای تمام شده تاریخی به کار رود زیرا خود قرارداد یک فعالیت تاریخی است اما در آینده محقق می شود. (همان)

بنابراین در زمان اندازه گیری باید از ارزش های جاری استفاده شود. استفاده از بهای تمام شده تاریخی ممکن است موجب تحریف اصل افشای واقعیت شود. واقعیت، ارزش جاری است و باید افشا شود. در وضعیت تورم و تغییر قیمت، به کارگیری بهای تمام شده تاریخی موجب دوری از واقعیت می شود. (همان)

۸.۱. ارائه و افشا در حسابداری اسلامی

برای دست یابی به اهمیت ارائه و افشا در ایفای وظایف و تعهدات طبق شریعت اسلامی، یک واحد تجاری اسلامی باید حداقل موارد زیر را افشا کند:

- ۱- هر گونه معاملات ممنوعی که صورت گرفته است،
- ۲- تعهدات زکات که باید پرداخت شود یا قبلاً پرداخت شده است، و
- ۳- مسئولیت اجتماعی. [1]

مسئولیت اجتماعی شامل وجوه خیریه، دستمزد کارکنان و حفظ محیط زیست است. بنابراین محتوای گزارشگری مالی در یک جامعه اسلامی احتمالاً مفصل تر از جوامع غربی است. پاسخگویی اجتماعی و افشای کامل، مبنای گزارش های شرکت های اسلامی است. (همان)

بنابراین ترازنامه مبتنی بر ارزش های جاری یکی از الزامات اصلی برای شرکت هایی است که در جامعه اسلامی فعالیت می کنند. جایگاه سود و زیان باید به یادداشت های توضیحی تنزل یابد زیرا صورت سود و زیان موجب تقویت گرایش مردم به سود مفرط می شود و در نتیجه در جامعه اسلامی اثر منفی دارد. به جای صورت سود و زیان، باید صورت ارزش افزوده ارائه شود، زیرا خصوصیات توزیعی صورت ارزش افزوده، پاسخ گویی در اسلام را پشتیبانی می کند. (همان)

باید توجه داشت صورت ارزش افزوده تغییر آرایش صورت سود و زیان است. بنابراین وجود صورت ارزش افزوده برای ارائه اطلاعات متفاوت نسبت به صورت سود و زیان، سوال برانگیز است. صورت ارزش افزوده همانند صورت سود و زیان، گذشته نگر است که تاثیر قابل توجهی بر ایفای مسئولیت اجتماعی در سال جاری ندارد. (همان)

اما تا حدودی کارکنان می توانند برای تاثیرگذاری بر واحد تجاری در مواردی مانند پاداش از آن استفاده کنند. علاوه براین، جامعه نیز می تواند برای وادار ساختن واحد تجاری جهت توجه بیشتر به مسئولیت اجتماعی از صورت ارزش افزوده استفاده کند، در صورتی که صورت سود و زیان چنین قابلیت را ندارد. (همان)

از دیدگاه اسلامی، رشد می تواند عدالت اجتماعی را بهبود بخشد و توزیع قدرت و ثروت را عادلانه تر سازد. صورت ارزش افزوده می تواند اطلاعاتی را در مورد توزیع ثروت بین بخش های مختلف جامعه ارائه کند و عملکرد شرکت را با توجه به منافع تمام ذی نفعان نشان دهد، در نتیجه سیاست آگاهانه توزیع مجدد ثروت و انتقال منابع بین گروه های مختلف جامعه را تقویت می کند. (همان)

به هر حال، اسلام علاوه بر توزیع منابع به تحصیل آن نیز توجه دارد. اسلام انسان را مکلف کرده است تنها منابع حلال را تحصیل کند. صورت ارزش افزوده متمرکز بر توزیع است و تحصیل منابع را منعکس نمی کند. لذا، اعتقاد داریم که صورت ارزش افزوده برای ایفای الزامات گزارشگری اسلامی کافی نیست. (همان)

تاکید صورت های مالی باید بر شفافیت و پرهیز از دستکاری با رعایت اصل افشای کامل در گزارش های شرکت های اسلامی محقق می شود. اما نسبت به این اصل به ویژه در موارد افشای اطلاعات منفی توسط شرکت ها در مورد خودشان، نظیر برخورد ناعادلانه با کارکنان، آلودگی محیط زیست و فرار مالیاتی، خوش بین نیست. (همان)

شرکت ها احساس می کنند که با افشای این مسائل به دام قانون می افتند. بنابراین، تنها معاملات خاصی وجود دارد که در چارچوب سرمایه داری مجاز است اما در اسلام ممنوع می باشد (مانند بهره، تضمین سود سرمایه گذاری بدون پذیرش خطر و سایر معاملات ربوی) این گروه معاملات باید در صورت های مالی شرکت های تجاری اسلامی افشا شود. (همان)

۲. روش شناسی پژوهش

این پژوهش به شیوه پیمایشی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق بررسی اسناد و منابع کتابخانه ای جمع آوری شده است.

۳. نتیجه گیری

اسلام به عنوان یک روش زندگی توجه زیادی به فعالیت های تجاری دارد. خداوند در قرآن راهنمایی های لازم را برای رستگاری انسان در دنیا و آخرت ارائه کرده است. در فعالیت های اقتصادی باید فلاح و رستگاری به عنوان هدف نهایی انتخاب شود و حسابداری هم به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی باید با این هدف سازگار باشد. بنابراین اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی نه تنها باید موجب ارائه تصویر درست درباره واحد تجاری شود بلکه باید به گونه ای باشد که واحدهای تجاری را به سوی احسان و پرهیز از بی عدالتی تشویق کند. برای حسابداری اسلامی اهداف متفاوتی مانند سودمندی برای تصمیم گیری، پاسخگویی اسلامی و پاسخگویی از طریق زکات مطرح شده است. در مجموع پاسخگویی اسلامی به عنوان هدف اصلی انتخاب شده است. در زمینه خصوصیات حسابداری نیز مباحث، متمرکز بر اندازه گیری و افشاست. در حوزه اندازه گیری نظر غالب این است که برای مقاصد اسلامی، به خصوص تعیین زکات، باید از ارزش های جاری استفاده شود. در بعد افشا، تاکید بر پیروی از شریعت و ارائه اطلاعات لازم، به خصوص در زمینه مسئولیت های اجتماعی است. در مورد صورتهای مالی نیز ترانزنامه مبتنی بر ارزش های جاری یکی از الزامات اصلی برای شرکت هایی است که در جامعه اسلامی فعالیت می کنند. جایگاه سود و زیان باید به یادداشت های توضیحی تنزل یابد زیرا صورت سود و زیان موجب تقویت گرایش مردم به سود مفرط می شود و در نتیجه در جامعه اسلامی اثر منفی دارد. به جای صورت سود و زیان، باید صورت ارزش افزوده ارائه شود، زیرا خصوصیات توزیعی صورت ارزش افزوده، پاسخ گویی در اسلام را پشتیبانی می کند.

۴. منابع

- <http://fahimi1390.blogfa.com> [1]
- <http://olgou.org/publications> [2]
- <http://hsabdarnews.blogfa.com> [3]